

آیا ایران بزرگ‌ترین خطر برای صلح جهانی است؟

نوآم چامسکی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۰

ترجمه: حسین جعفری موحد**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۳۱

۲۷

چکیده

مواضع ضدآمریکایی چامسکی، آن‌هم در بحث بر سر ایران، بسیار جذاب و شنیدنی است. او با تایید برنامه‌های نظامی- هسته‌ای ایران و بازدارنده و دفاعی نامیدن آنها، معتقد است که دولت‌های سرکش خاورمیانه، اسرائیل و آمریکا هستند که به همراه برخی بازیگران منطقه‌ای یعنی عربستان سعودی، قصد دارند ایران را بزرگ‌ترین خطر معرفی نمایند. استدلال‌های انتقادی چامسکی علیه دولت‌مردان آمریکا (اعم از دموکرات و جمهوری‌خواه) را در این مقاله مطالعه می‌کنید.

واژگان کلیدی: برنامه‌هسته‌ای، سلاح بازدارنده ایران، مداخله پنهان، توهمات ساختگی، بی‌ثبات‌سازی، مدیریت بی‌ثباتی

* زبان‌شناس و نظریه‌پرداز شهیر آمریکایی

** محقق و مترجم مباحث امنیت بین‌الملل

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال هجدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵، صص ۴۲-۲۷.

در سرتاسر جهان، خوش‌بینی زیادی در مورد توافق هسته‌ای وین میان ایران و کشورهای ۵+۱ شامل پنج کشور دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد و آلمان وجود دارد. همه جهان با ارزیابی مثبت «انجمن کنترل تسلیحات ایالات متحده»^۱ از «برنامه جامع اقدام مشترک»^۲ موافق هستند. «برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) یک فرمول قوی و مؤثر برای مسدود کردن تمام مسیرهایی که ایران می‌توانست مواد لازم برای ساخت تسلیحات هسته‌ای را به‌دست آورد، ایجاد کرد. همچنین بر اساس این برنامه، موضوع بررسی سریع تشخیص و جلوگیری از تلاش‌های احتمالی ایران برای پی‌گیری مخفیانه ساخت تسلیحات هسته‌ای استمرار خواهد داشت. (Davenport, 2015)

با این وجود، استثناهای زیادی برای شور و اشتیاق عمومی در مورد توافق هسته‌ای وجود دارد: ایالات متحده و نزدیک‌ترین متحدان منطقه‌اش، اسرائیل و عربستان سعودی. یکی از نتایج این موضوع این است که شرکت‌های آمریکایی با آزردهی بسیار از حضور درگردهمایی در تهران به همراه هم‌تایان اروپایی‌شان منع شدند. مخالفت با برجام در میان طبقه سیاسی آمریکا آنچنان نیرومند و جدی است که افکار عمومی جامعه آمریکا را درباره حمایت یا مخالفت با توافق دچار انشعاب کرده است. (Clement and Craighill, 2015) جمهوری خواهان تقریباً به اتفاق با توافق هسته‌ای مخالف هستند. سناتور تدکروز^۳ به عنوان یک روشنفکر مطرح در میان نامزدهای ریاست جمهوری، هشدار می‌دهد که ایران هنوز ممکن است توانایی تولید تسلیحات هسته‌ای را داشته باشد و ممکن است روزی بتواند با استفاده از یک پالس الکترومغناطیسی، شبکه الکتریکی تمام ساحل شرقی ایالات متحده را نابود کند و «ده‌ها میلیون آمریکایی» را بکشد. (Weiss, 2015) دو نامزد دیگر، جب بوئس^۴، فرماندار سابق فلوریدا، و اسکات واکر^۵ فرماندار ایالت ویسکانسین بر سر این

1. the U. S. Arms Control Association

2. the Joint Comprehensive Plan of Action

3. Ted Cruz

4. Jeb Bush

5. Scott Walker

موضوع که آیا بلافاصله پس از انتخاب شدن به مقام ریاست جمهوری به ایران حمله کنند، یا پس از برگزاری اولین جلسه کابینه این کار را انجام دهند با یکدیگر مشاجره می‌کردند. (Maloy, 2015) لیندزی گر/هام، یکی دیگر از نامزدهای ریاست جمهوری، با مقداری تجربه در حوزه سیاست خارجی، از توافق هسته‌ای با عنوان «حکم اعدام برای [دولت] اسرائیل» یاد می‌کند. این سخن، به یقین شگفتی تحلیلگران استراتژیک و اطلاعاتی اسرائیل را برخواهد انگیخت. (Davidson, 2015)

به خاطر داشته باشید که جمهوری خواهان از مدت‌ها پیش، ایفای نقش یک حزب معمولی پارلمانی را رها کرده‌اند. به قول نورمن اورنشتاین، مفسر سیاسی محافظه‌کار «مؤسسه اینترپرایز آمریکا»^۱ آنها به «شورش‌یانی تندرو» تبدیل شده‌اند که به‌ندرت در پی مشارکت در روند عادی سیاست‌های کنگره هستند. (Mann and Ornstein, 2013) این تغییر روند، از دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان آغاز شده و جمهوری خواهان از آن زمان به بعد، به جیب شرکت‌های بسیار بزرگ و ثروتمندی چشم دوخته‌اند که می‌توانند به وسیله بسیج نیروهای سیاسی غیرسازمان‌یافته جامعه آمریکا آراء زیادی را برای آنها جذب کنند.

با این وجود، انحراف از معیارهای جهانی، از مرزهای شورش رادیکال جمهوری خواهان فراتر رفته است. ژنرال مارتین دمپسی،^۲ رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا می‌گوید: «توافق وین در صورتی که مقامات ایالات متحده به مفاد توافق عمل نکنند، این کشور را از حمله احتمالی به ایران منع نمی‌کند، با اینکه اگر ایران درست رفتار کند، انجام یک حمله نظامی یک‌جانبه احتمال کمتری دارد.» (Cooper and Harris, 2015) به‌عنوان نمونه، دینس راس، مذاکره‌کننده سابق خاورمیانه‌ای در دولت‌های کلینتون و اوباما، می‌گوید: «ایران نباید در این مورد شک داشته باشد که اگر به سمت تولید سلاح هسته‌ای حرکت کند، ماشه استفاده از زور را علیه آن کشور خواهیم کشید، حتی اگر این اقدام پس از پایان زمان توافق هسته‌ای باشد.» (Ross, 2015) او می‌افزاید: «وجود نقطه پایانی پانزده ساله بزرگ‌ترین مشکل این توافق است.» او همچنین پیشنهاد می‌کند

¹. American Enterprise Institute

². Martin Dempsey

که ایالات متحده اسرائیل را با بمب افکن‌های B-52 و بمب‌های متلاشی‌کننده پناهگاه‌های زیرزمینی، پیش از آنکه آن تاریخ وحشتناک فرا برسد، برای حفاظت از خود تجهیز کند.

بزرگ‌ترین تهدید

مخالفان توافق هسته‌ای ادعا می‌کنند که آن توافق کافی نیست. برخی حامیان توافق بر این موضوع تأکید می‌کنند که «اگر توافق هسته‌ای وین یک معنی داشته باشد، آن معنی این است که سراسر خاورمیانه باید عاری از تسلیحات کشتار جمعی باشد». محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، به عنوان نویسنده این جملات می‌افزاید: «ایران با استفاده از ظرفیت ملی خود و به عنوان رییس فعلی «جنبش عدم تعهد»^۱ آماده همکاری با جامعه بین‌المللی برای دستیابی به این اهداف است، با علم به اینکه در طول مسیر احتمالاً موانع بسیاری از سوی کسانی که به مسیر دیپلماسی و صلح به دیده تردید می‌نگرند وجود خواهد داشت.» او ادامه می‌دهد: «ایران یک توافق هسته‌ای تاریخی را امضا کرده است و اکنون نوبت اسرائیل است که به آن تن دهد.» (Zarif, 2015)

اسرائیل البته یکی از سه قدرت هسته‌ای است که به همراه هند و پاکستان، برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای آنها از سوی ایالات متحده مورد حمایت قرار می‌گیرد و این کشورها از امضای «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای»^۲ خودداری می‌کنند.

ظریف به کنفرانس پنج ساله بازنگری ان. پی. تی اشاره می‌کند که در آوریل سال گذشته بدون نتیجه به شکست انجامید؛ هنگامی که ایالات متحده (به همراه کانادا و انگلیس) یک بار دیگر تمام تلاش‌های صورت گرفته از سوی مصر و دیگر کشورهای عربی در طول بیست سال گذشته، جهت حرکت به سمت ایجاد یک منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه را ناکام گذاشتند. جایانتا دهانایالا^۳، معاون دبیرکل سازمان ملل در امور خلع سلاح، و سرجیو دوآرته^۴ دو چهره پیشرو در

¹. Non-Aligned Movement

². Non-Proliferation Treaty (NPT)

³. Jayantha Dhanapala

⁴. Sergio Duarte

ان.پی.تی و دیگر آژانس‌های سازمان ملل می‌گویند: «تصویب موفق قطعنامه ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی (WMD) در منطقه خاورمیانه در سال ۱۹۹۵، عنصر اصلی یک بسته سیاستی بود که مسیر گسترش نامحدود ان.پی.تی را هموار کرد.» (Dhanapala and Duarte, 2015)

ان.پی.تی در جای خود مهم‌ترین معاهده کنترل تسلیحات به شمار می‌رود. اگر این معاهده اجرا می‌شد، می‌توانست معضل تسلیحات هسته‌ای را پایان بخشد. ایالات متحده، بارها و بارها از اجرای این قطعنامه در خاورمیانه جلوگیری کرده است. در سال‌های اخیر، باراک اوباما یک بار در سال ۲۰۱۰ و بار دیگر در سال ۲۰۱۵ با اجرای این قطعنامه مخالفت کرد. دهاناپالا و دوآرته توضیح می‌دهند که بار دیگر از تلاش برای اجرای قطعنامه «به نفع کشوری که عضو ان.پی.تی نیست و به‌طور فزاینده‌ای بر این باور است که تنها کشور دارنده تسلیحات هسته‌ای در منطقه باشد» جلوگیری به عمل آمد. آن، رژیم اشغالگر اسرائیل است. آنها امیدوارند که این شکست، «ضربه‌ای برای دو هدف دیرین ان.پی.تی؛ یعنی پیشرفت سریع در خلع سلاح هسته‌ای و ایجاد یک منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه نخواهد بود.» مقاله آنها در مجله *انجمن کنترل تسلیحات* با عنوان «آیا آینده‌ای برای معاهده ان.پی.تی وجود دارد؟» به چاپ رسیده است.

ایجاد یک منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه، یک مسیر آسان و مستقیم برای مقابله با آنچه که تهدید ایران وانمود می‌شود به شمار می‌آید، اما مسئله مهم در رابطه با این موضوع، کارشکنی مداوم واشنگتن، برای محافظت از موکل خود در منطقه، یعنی اسرائیل است. این تنها موردی نیست که فرصت‌ها برای پایان دادن به تهدید ادعا شده ایران به وسیله واشنگتن از بین می‌رود. این مسئله باعث شکل‌گیری سؤالاتی در ذهن می‌شود که واقعا چه چیزی در خطر است. برای پرداختن به این موضوع، طرح دو فرضیه و سؤالاتی که به ندرت مورد پرسش قرار می‌گیرند مفید خواهد بود. اجازه دهید با این فرضیه مهم که «ایران بزرگ‌ترین تهدید برای صلح جهانی است» آغاز کنیم.

در ایالات متحده، این موضوع در میان مسئولین و مفسران بلندپایه به یک کلیشه تبدیل شده است که ایران برنده این جایزه شوم است. این کلیشه همچنین به خارج از آمریکا نیز سرایت کرده است. بر اساس نتایج نظرسنجی‌های انجام شده به وسیله دو مؤسسه مهم نظرسنجی غربی (گالوپ و وین) ایالات متحده برنده جایزه «بزرگ‌ترین تهدید» است و دنیا به این کشور به‌عنوان بزرگ‌ترین

تهدید برای صلح جهانی با یک حاشیه بزرگ می‌نگرد. پاکستان البته با فاصله زیاد، آن هم احتمالاً با آراء بالای هندی‌ها در جایگاه دوم قرار دارد. ایران به همراه چین، اسرائیل، کره شمالی و افغانستان پایین‌تر از دو کشور یادشده قرار گرفت. (WIN/Gallup, 2013)

سردمداران حمایت از تروریسم در جهان

سؤال واضح بعدی این است: تهدید واقعی ایران برای جهان چیست؟ و چرا اسرائیل و عربستان سعودی از ترس ایران بر خود می‌لرزند؟ تهدید ایران به سختی می‌تواند یک تهدید نظامی باشد. سال‌ها پیش، «سازمان اطلاعاتی آمریکا» به کنگره این کشور گزارش داد که هزینه‌های نظامی ایران بسیار پایین‌تر از استاندارد منطقه است و «دکترین راهبردی» آن دفاعی است که برای جلوگیری از تهاجم نظامی طراحی شده است. (Cordesman, 2015) این سازمان، همچنین گزارش می‌دهد که هیچ سندی دال بر اینکه ایران به دنبال ساخت تسلیحات هسته‌ای است، وجود ندارد و برنامه هسته‌ای ایران و تمایل این کشور برای محفوظ نگه داشتن امکان توسعه تسلیحات هسته‌ای، بخش مرکزی «استراتژی بازدارندگی»^۱ آن به شمار می‌رود.

بر اساس مطالعات صورت گرفته از سوی «مؤسسه معتبر بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم»^۲، طبق معمول، ایالات متحده مقام اول را در هزینه‌های نظامی به خود اختصاص می‌دهد. چین با حدود یک سوم بودجه نظامی آمریکا در جایگاه دوم قرار دارد. روسیه و عربستان سعودی، البته با فاصله، در رتبه سوم هستند. در این تحقیق از ایران به ندرت سخنی به میان آمده است. (SIPRI Military Expenditure Databas, 2015)

در گزارش آوریل «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی»^۳ به این مطلب اشاره شده است که «کشورهای حوزه خلیج فارس در هر دو مورد هزینه‌های نظامی و دسترسی به تسلیحات مدرن مزیت بالاتری نسبت به ایران دارند.» هزینه‌های نظامی ایران، در مقایسه با بودجه نظامی عربستان سعودی بسیار ناچیز است و حتی به مراتب پایین‌تر از مخارج نظامی امارات متحده عربی است.

^۱. deterrent strategy

^۲. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

^۳. Center for Strategic and International Studies (CSIS)

گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی می‌افزاید: «کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، در حال به دست آوردن برخی از پیشرفته‌ترین و کارآمدترین سلاح‌های موجود در جهان هستند، یا آنها را به دست آورده‌اند، در حالی که ایران، اغلب با تکیه بر سیستم‌های تسلیحاتی بر جای مانده از زمان شاه مجبور به زندگی در گذشته بوده است.» (Cordesman)

مقایسه این وضعیت با شرایط اسرائیل، نشانگر یک عدم تعادل بزرگ است. اسرائیل، پیشرفته‌ترین جنگ‌افزارهای ساخت ایالات متحده، یک پایگاه نظامی ساحلی برای ابرقدرت جهانی و همچنین زرادخانه بزرگی از تسلیحات هسته‌ای را در اختیار دارد.

در این موضوع شکی نیست که اسرائیل در سخنان مسئولین ایرانی با «تهدید موجودیت» مواجه است. رهبر عالی ایران، آیت الله خامنه‌ای و رییس جمهور سابق، محمود احمدی نژاد، آشکارا این رژیم اشغالگر را به نابوی تهدید کردند. آنها پیش‌بینی کردند که «به لطف خداوند، رژیم صهیونیستی از نقشه محو خواهد شد.» بر اساس تفسیری دیگر، احمدی نژاد با استناد به سخن امام خمینی (ره) که در زمان اتحاد ضمنی اسرائیل و ایران [پیش از انقلاب اسلامی] بیان گردید، می‌گوید: «اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود.» از سوی دیگر، اسرائیلی‌ها امیدوارند که تغییر رژیم در ایران روزی صورت خواهد گرفت. این امیدواری به «تغییر رژیم» در ایران، به سال ۱۹۵۳ باز می‌گردد؛ زمانی که ایالات متحده و انگلستان با سازمان‌دهی یک کودتای نظامی، حکومت پارلمانی ایران را سرنگون و حکومت دیکتاتوری شاه را به جای آن مستقر کردند؛ حکومتی که بدترین سوابق حقوق بشری را از خود به یادگار گذاشت. جنایات این حکومت برای خوانندگان گزارش‌های «سازمان عفو بین‌الملل»^۱ و سایر سازمان‌های حقوق بشری شناخته شده بودند، اما برای خوانندگان مطبوعات ایالات متحده که صفحات زیادی را به موارد نقض حقوق بشر در ایران، البته پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ و سرنگونی حکومت شاه اختصاص می‌دادند، نامأنوس بودند. این حقایق عبرت‌آموز، در پژوهش انجام شده توسط منصور فرهنگ و ویلیام دورمن^۲ ثبت شده‌اند.

(Dorman and Mansour Farhang, 1988)

^۱. Amnesty International

^۲. William Dorman

مشهور است که ایالات متحده دارای عنوان قهرمانی جهان در تغییر دادن رژیم در دیگر جوامع است و اسرائیل نیز در این زمینه کم از آمریکا ندارد. مخرب‌ترین حملات این رژیم به لبنان در سال ۱۹۸۲، به صراحت با هدف تغییر رژیم و نیز تامین امنیت خود در سزمین‌های اشغالی انجام شد. هیچ تحلیلگر خردمندی بر این باور نیست که اگر ایران دارای سلاح هسته‌ای بود از آن استفاده می‌کرد و یا حتی تهدید به استفاده از آن می‌نمود؛ چون در این صورت، خود را در معرض نابودی قرار می‌داد. اگرچه نگرانی واقعی از افتادن تسلیحات هسته‌ای به دست تروریست‌های جهادی وجود دارد، اما نه از سوی ایران، بلکه به وسیله پاکستان که متحد آمریکاست و تهدید آن بسیار جدی است. پرویز هودبهوی^۱ و ضیا مین^۲ دو دانشمند برجسته هسته‌ای پاکستان، در مجله انگلیسی «مؤسسه سلطنتی روابط بین‌الملل، چتم هاوس»^۳ می‌نویسند: «وحشت فزاینده از دسترسی شبه‌نظامیان به تسلیحات هسته‌ای یا مواد آن در پاکستان، به یک نیروی ویژه با بیش از ۲۰ هزار سرباز برای محافظت از تاسیسات هسته‌ای نیازمند است. با وجود این، هیچ تضمینی وجود ندارد که فرض کنیم این نیروی ویژه امنیت تاسیسات نظامی را تامین کند.» (Hoodbhoy and Mian, 2014)

بنابراین، به‌طور خلاصه می‌توان گفت، موضوع تهدید وجود دارد، اما نه از سوی ایران که بر اساس توهّمات ساختگی به عنوان تهدید در نظر گرفته می‌شود، بلکه تهدید واقعی جای دیگری است.

نگرانی دیگر از تهدید ایران، عبارت است از نقش این کشور به عنوان «حامی اصلی تروریسم در جهان» که در درجه نخست به حمایت این کشور از «حزبالله» و «حماس» اشاره دارد. هر دوی این جنبش‌ها، برای مقاومت در برابر خشونت و تجاوز اسرائیل که از حمایت آمریکا برخوردار است، شکل گرفته‌اند. هرچه انسان درباره این گروه‌ها یا دیگر گروه‌های برخوردار از حمایت ایران فکر می‌کند، به این نتیجه دست می‌یابد که این مسئله به‌سختی می‌تواند رتبه ایران را در حمایت از تروریسم، حتی در داخل جهان اسلام بالا ببرد. در میان کشورهای اسلامی، عربستان سعودی به‌عنوان حامی تروریسم اسلامی در جایگاه اول قرار دارد. سعودی‌ها با بهره‌مندی از قدرت دیکتاتوری مذهبی‌شان و همچنین مقادیر عظمی

¹. Pervez Hoodbhoy

². Zia Mian

³. Royal Institute of International Affairs (Chatham House)

از ثروت نفتی، نه تنها از طریق کمک‌های مالی مستقیم، بلکه بیشتر به وسیله مبلغان مذهبی، نسخه اسلام افراطی وهابی - سلفی آنها را از طریق مدارس قرآنی، مساجد، روحانیون و دیگر ابزارهای در دسترس ترویج می‌کنند. داعش،^۱ شاخه افراطی بنیادگرایی مذهبی عربستان سعودی و شعله‌ورکننده زبانه‌های آتش تروریسم جهادی تحت حمایت آن کشور است.

با این حال، در تولید تروریسم اسلامی، هیچ عاملی نمی‌تواند با نبرد ایالات متحده با تروریسم که موجب گسترش طاعون تروریسم از منطقه قبیله‌ای کوچکی در نواحی مرزی افغانستان و پاکستان به قلمرو وسیعی از غرب آفریقا و آسیای جنوب شرقی شد مورد مقایسه قرار گیرد. حمله به عراق، به‌تنهایی به عنوان یک عامل از هفت عامل تشدید کننده تروریسم در همان سال اول مؤثر بود، حتی فراتر از آنچه توسط سازمان‌های اطلاعاتی پیش‌بینی شده بود. (Bergen and Cruickshank, 2007) شواهد زیادی حاکی از این است که حمله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به جوامع قبیله‌ای دورافتاده و مظلوم (در افغانستان و پاکستان) نیز در افزایش حملات انتقام‌جویانه تاثیرگذار بوده است.

از دو جنبش مورد حمایت ایران، یعنی حزب‌الله و حماس، گناه حماس پیروزی در تنها انتخابات آزاد در جهان عرب است. گناه حزب‌الله نیز مجبور ساختن اسرائیل به عقب‌نشینی از مناطق اشغالی جنوب لبنان است که با نقض قطعنامه‌های شورای امنیت، به مدت چند دهه این مناطق را در اشغال داشت؛ یک رژیم غیرقانونی تروریست‌محور با کارنامه‌ای مملو از اعمال خشونت افراطی، کشتار، قتل و نابودی.

دامن زدن به بی‌ثباتی

نگرانی دیگری که سامانتا پاور^۲ نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد به آن اشاره کرد، «دامن زدن ایران به بی‌ثباتی در منطقه، فراتر از برنامه هسته‌ای این کشور است.» (Sengupta, 2015) او اعلام کرد که ایالات متحده این سوءرفتار ایران را به دقت زیر نظر خواهد داشت. او به تضمین ارایه

^۱. ISIS

^۲. Samantha Power

شده توسط اشتون کارتر،^۱ وزیر دفاع آمریکا اشاره کرد. وی در حالی که در مرز شمالی اسرائیل ایستاده بود گفت: «ما همچنان به حمایت از اسرائیل در مقابل توانمندی خطرناک ایران در حمایت از حزب‌الله ادامه خواهیم داد»، و ایالات متحده حق استفاده از نیروی نظامی علیه ایران را به‌عنوان یک گزینه مناسب برای خود محفوظ می‌دارد. (Cooper, 2015)

شیوه ایران در «دامن زدن به بی‌ثباتی»، به ویژه در عراق، به‌طور چشمگیری قابل مشاهده است: ایران در میان دیگر جرایم، به‌تنهایی به کردهای عراق در دفاع از خود در برابر حمله گروه تروریستی داعش کمک کرد، و این کشور حتی در حال ساخت یک نیروگاه ۲/۵ میلیارد دلاری در عراق است تا میزان تولید برق عراق را به دوران پیش از تجاوز آمریکا به این کشور برساند. (Barnard, 2015)

کشته شدن صدها هزار نفر، آوارگی میلیون‌ها انسان، ارتکاب جنایات و شکنجه‌های وحشتناک و نابودی کامل عراق، نتیجه حمله آمریکا به این کشور است. تا آنجا که مردم عراق حمله آمریکا را با حمله مغول‌ها مقایسه می‌کنند. بر اساس نظرسنجی مؤسسات «گالوپ» و «وین»، عراق اکنون غمگین‌ترین کشور جهان است. در عین حال این حمله، آتش درگیری فرقه‌ای را در منطقه خاورمیانه شعله‌ور کرد و این منطقه را پاره‌پاره ساخت. همچنین اقدامات آمریکا به همراه متحد سعودی‌اش، زمینه شکل‌گیری هیولای داعش را فراهم ساخت؛ این است «ایجاد ثبات».

اقدامات شرم‌آور ایران «محرک بی‌ثباتی» است. استفاده از این شعار تمسخرآمیز، بعضی وقت‌ها ناشی از وهم و خیال است، مانند زمانی که جیمز چیس،^۲ مفسر لیبرال و سردبیر سابق مجله *روابط خارجی*^۳ تشریح کرد که ایالات متحده به دنبال «بی‌ثبات کردن دولت مارکسیستی ناشی از انتخابات آزاد در شیلی بود؛ چون ما مصمم به ایجاد ثبات در آن کشور تحت دیکتاتوری ژنرال پینوشه^۴ بودیم.» (Chace, 1977)

لئون ویسلتیر،^۵ ویرایشگر همکار مجله لیبرال *آتلانتیک* که به سختی می‌تواند تنفر درونی خود

1. Ashton Carter

2. James Chace

3. Foreign Affairs

4. Pinochet

5. Leon Wieseltier

را از ایرانیان پنهان کند، می‌نویسد: «بسیاری از این موضوع که واشنگتن با حکومت ایران با آن سابقه هولناک حقوق بشری اش! مذاکره می‌کند خشمگین هستند و معتقدند به جای این کار ما باید به دنبال متحدانی از میان اسرائیل و کشورهای سنی مذهب باشیم.» این روشنفکر محترم لیبرال با قیافه‌ای بی‌تفاوت، توصیه می‌کند عربستان که اوضاع حقوق بشر آن بر کسی پوشیده نیست، و اسرائیل با سابقه جنایات فجیع در غزه و جاهای دیگر، به ایران درس اخلاق بدهند.

ایرانیان همواره به یاد دارند که از سال ۱۹۵۳، روزی نبوده است که آمریکا آسیبی را متحمل آنها نکرده باشد. به محض اینکه مردم ایران رژیم شاه؛ رژیم منفور تحمیلی از سوی ایالات متحده را در سال ۱۹۷۹ سرنگون کردند، واشنگتن بلافاصله به حمایت از حمله ددمنشانه صدام حسین به ایران پرداخت. تا آنجا که دونالد ریگان، جنایت هولناک صدام در جریان حمله شیمیایی به مردم کرد عراق را انکار کرد و ایران را به جای عراق مقصر دانست. (Wieseltier, 2015) هنگامی که صدام به علت جنایاتی که در سایه حمایت‌های ایالات متحده مرتکب شده بود محاکمه شد، (همچنین به علت جنایات دیگری که آمریکا هم‌دست او بود) به دقت از اتهامات وارده تبرئه شد. یکی از جنایات ناچیز او به‌عنوان بخش کوچکی از سابقه نفرت‌انگیزش، کشتار ۱۴۸ نفر از شیعیان عراق در سال ۱۹۸۲ بود. (Harris and Aid, 2015)

پس از پایان جنگ ایران و عراق، ایالات متحده به حمایت خود از صدام حسین ادامه داد. رییس جمهور جرج بوش، حتی مهندسان هسته‌ای عراق را برای آموزش پیشرفته تولید سلاح‌های هسته‌ای به آمریکا دعوت کرد و این یک تهدید بسیار جدی برای ایران بود. (Milhollin, 1992) تحریم‌ها علیه ایران، از جمله تحریم معامله شرکت‌های خارجی با آن کشور تشدید شد و اقدامات مربوط به محروم‌سازی ایران از دسترسی به نظام مالی بین‌المللی آغاز شد. (Litwak, 2014) در سال‌های اخیر، عملیات خصمانه خراب‌کارانه، شامل ترور دانشمندان هسته‌ای ایران (احتمالاً به وسیله اسرائیل) و جنگ سایبری آشکار علیه آن افزایش یافته است. این در حالی است که پنتاگون، جنگ سایبری را به عنوان یک اقدام جنگی تلقی کرده و آن را مستحق واکنش نظامی می‌داند. ناتو هم در سپتامبر ۲۰۱۴ اعلام کرد که حملات سایبری علیه این سازمان، ممکن است تعهدات دفاع جمعی قدرت‌های عضو ناتو را علیه این حملات به کار بیندازد. (Contemporary Practices ..., 2015)

دولت سرکش

جرج دبلیو بوش با نابود ساختن دشمنان اصلی ایران، یعنی صدام حسین و طالبان، چند هدیه با ارزش تقدیم این کشور کرد. او عراق را به منطقه نفوذ ایران تبدیل کرد. شکست آمریکا در عراق آن قدر شدید بود که واشنگتن مجبور شد اهداف از پیش اعلام شده رسمی خود را از ایجاد پایگاه‌های نظامی دائمی و تضمین امتیاز دسترسی شرکت‌های ایالات متحده به منابع عظیم نفتی عراق را رها کند. (Savage, 2008) آیا مقامات ایرانی، امروز هم قصد توسعه سلاح‌های هسته‌ای را دارند؟ در این نکته که آنها در گذشته؛ یعنی زمان حکومت محمدرضا شاه پهلوی چنین نیتی داشتند، جای هیچ گونه سؤالی نیست؛ چرا که روزنامه‌های خارجی با استناد به سخنان آشکار مسئولین رده بالای آمریکا نوشتند که ایران مطمئناً سلاح‌های هسته‌ای خود را توسعه می‌دهد؛ سریع‌تر از آنچه که در افکار کسی می‌گنجد. (Sciolino, 1995) پدر برنامه انرژی هسته‌ای ایران و رییس اسبق سازمان انرژی اتمی ایران نیز مطمئن بود که شخص اول مملکت در اندیشه «ساخت یک بمب هسته‌ای بود.» (Mousavian & Shahidsaless) «سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا» نیز گزارش داد که «شک ندارد» ایران سلاح‌های هسته‌ای خود را توسعه خواهد داد، اگر کشورهای همسایه به این کار اقدام کرده باشند. (CIA report, 1974)

مقامات رده بالای آمریکا در آن زمان، فقط گزارش می‌دادند که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است. در آن دوره زمانی، مسئولین رده بالای ایالات متحده (چنی، رامسفلد، کیسنجر و دیگران) اصرار داشتند که شاه به برنامه‌های هسته‌ای خود ادامه دهد و دانشگاه‌های آمریکا را برای کمک به این تلاش‌ها و هماهنگ شدن با آن تحت فشار قرار می‌دادند. (Alvandi, 2014) به عنوان بخشی از این تلاش‌ها دانشگاه خود من (ام‌ای. تی) قراردادی را با دولت ایران منعقد کرد که در ازای دریافت کمک‌های مالی شاه، دانشجویان ایرانی را برای تحصیل در رشته مهندسی هسته‌ای بپذیرد. این قرارداد، با وجود مخالفت‌های شدید دانشجویان، اما با پشتیبانی و حمایت قوی استادان دانشکده، در یک جلسه سخنرانی که استادان قدیمی‌تر بدون شک به خوبی آن را به یاد دارند، منعقد گردید. (Stockman, 2007)

هنری کسینجر در برابر این پرسش که چرا آمریکا از چنین برنامه‌هایی در زمان رژیم شاه حمایت می‌کرد، اما با استمرار این برنامه‌ها در زمان پس از انقلاب مخالفت کرد، صادقانه پاسخ داد: چون ایران در آن زمان متحد آمریکا بود. (Linzer, 2005)

تهدید واقعی ایران چیست که چنین ترس و اضطرابی را ایجاد کرده است؟ آژانس اطلاعاتی ایالات متحده پاسخ ساده و روشنی به این سؤال داده است. به یاد بیاورید تحلیل این آژانس را که تهدید ایران، یک تهدید نظامی نیست؛ چرا که ره نامه راهبردی دفاعی این کشور دفاعی است و برنامه‌های هسته‌ای ایران «بخش مرکزی راهبرد بازدارندگی آن کشور» است. برنامه‌های هسته‌ای ایران در راستای تلاش برای ساخت بمب نیست، تا آنجا که آژانس اطلاعاتی آمریکا نیز به همین ارزیابی دست یافته است.

۳۹

پس چه کسی نگران راهبرد بازدارندگی ایران است؟ پاسخ روشن است: دولت‌های سرکش و یاغی که در منطقه وحشیگری می‌کنند و نمی‌خواهند هیچ مانعی را در برابر توسل خود به تجاوز و خشونت تحمل کنند. در راس این نوع نگاه، آمریکا و اسرائیل قرار دارند که تلاش می‌کنند به همراه عربستان سعودی که با تهاجم به بحرین (جهت حمایت از سرکوب جنبش اصلاحات در این کشور) و اکنون هم با حمله جنایت‌کارانه به یمن که فاجعه انسانی در حال رشد در آن کشور را شتاب بخشیده است، به این باشگاه بپیوندند.

این توصیف شخصیت برای ایالات متحده آشناست. پانزده سال پیش، ساموئل هانتینگتون، تحلیلگر برجسته مسائل سیاسی در مجله *فارین افیرز* هشدار داد، ایالات متحده برای بسیاری از نقاط جهان «به یک ابرقدرت سرکش تبدیل شده است ... که بزرگ‌ترین تهدید خارجی برای جوامع آنهاست.» (Huntington, 1999) مدت کوتاهی پس از آن، این سخن هانتینگتون توسط رابرت جرویس^۱، رییس «انجمن علوم سیاسی آمریکا»^۲ تکرار شد که «امروزه از دیدگاه بسیاری از جهانیان، اصلی‌ترین دولت سرکش ایالات متحده آمریکا است.» افکار عمومی نیز از این دیدگاه پشتیبانی می‌کنند. (Jervis, 2003)

این عنوان برازنده آمریکاست؛ اشاره به مصادیق ذیل در تایید این ادعا مفید خواهد بود. رییس‌جمهور و الیت سیاسی آمریکا تأکید می‌کنند که ایالات متحده اگر تشخیص دهد که ایران از انجام برخی تعهدات سرباز زده است، حق توسل به زور به صورت یک‌جانبه را برای خود محفوظ

¹. Robert Jervis

². American Political Science Association

می‌داند. این، سیاست طولانی‌مدت لیبرال دموکرات‌هاست و به هیچ وجه به ایران محدود نمی‌شود. رهنامه کلینتون بر این موضوع تأکید می‌کند که ایالات متحده حق دارد «به طور یک‌جانبه از قدرت نظامی استفاده کند»، حتی برای اطمینان از «دسترسی نامحدود به بازارهای کلیدی، ذخایر انرژی و منابع راهبردی»، چه رسد به اتهام «امنیت» یا نگرانی‌های «بشر دوستانه». (Clinton, 1999) پیروی از نسخه‌های مختلف این رهنامه، در حوزه عمل نیز به خوبی اثبات شده است، به گونه‌ای که امروزه به‌عنوان حقایقی از تاریخ معاصر در میان مردم مورد بحث قرار می‌گیرد. این موضوعات، مسائل مهمی هستند که باید در تحلیل توافق هسته‌ای وین مورد توجه قرار گیرند.

منابع و یادداشت‌ها:

1. Alvandi, Roham(2014), "Nixon, Kissinger, and the Shah: The United States and Iran in the Cold War," Oxford: Oxford University Press; Mousavian and Shahidsaless, Iran and the United States, 178 .
2. Barnard, Anne(1 August 2015), "120 Degrees and No Relief? ISIS Takes Back Seat for Iraqis," *New York Times*.
3. Bergen, Peter and Paul Cruickshank(1 March 2007), "The Iraq Effect: War Has Increased Terrorism Sevenfold Worldwide," *Mother Jones*.
4. Chace, James(22 May 1977), "How 'Moral' Can We Get?" *New York Times Magazine* .
5. CIA Report (declassified by NSA and published on NSA archive) , "Special National Intelligence Estimate 4-1-74: Prospects for Further Proliferation of Nuclear Weapons," 23 August 1974, <http://nsarchive.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB240/snief.pdf> .
6. Clement, Scott and Peyton M. Craighill(30 March 2015), "Poll: Clear Majority Supports Nuclear Deal with Iran," *Washington Post*; Laura Meckler and Kristina Peterson(3 August 2015), "U. S. Public Split on Iran Nuclear Deal—WSJ/NBC Poll," *Washington Wire*, <http://blogs.wsj.com/washwire/2015/08/03/american-public-split-on-iran-nuclear-deal-wsjnbc-poll/> .
7. Cooper, Helene(20 July 2015), "U. S. Defense Secretary Visits Israel to Soothe Ally After Iran Nuclear Deal," *New York Times*.
8. Cooper, Helene and Gardiner Harris(29 July 2015), "Top General Gives 'Pragmatic' View of Iran Nuclear Deal," *New York Times*.
9. Cordesman, Anthony H.(28 April 2015) "Military Spending and Arms Sales in the Gulf," Center for Strategic and International Studies, http://csis.org/files/publication/150428_military_spending.pdf .
10. Davenport , Kelsey, "The P5+1 and Iran Nuclear Deal Alert, August 11," Arms Control Association, 11 August 2015, <http://www.armscontrol.org/blog/ArmsControlNow/08-11-2015/The-P5-plus-1-and-Iran-Nuclear-Deal-Alert-August-11> .
11. Davidson, Amy(3 August 2015), "Broken," *New Yorker*, "Former Top Brass to Netanyahu: Accept Iran Accord as 'Done Deal,'" *Ha'aretz* .
12. Dhanapala, Jayantha and Sergio Duarte(July/August 2015), "Is There a Future for the NPT?" *Arms Control Today*.
13. Dorman, William A. and Mansour Farhang(1988), *The U. S. Press and Iran: Foreign Policy and the Journalism of Deference*, Berkeley: University of California Press.
14. Harris, Shane and Matthew M. Aid(26 August 2013), "Exclusive: CIA Files Prove America Helped Saddam as He Gassed Iran," *Foreign Policy*.
15. Hoodbhoy, Pervez and Zia Mian(February 2014), "Changing Nuclear Thinking in Pakistan," Asia Pacific Leadership Network for Nuclear Non-Proliferation and Disarmament and Centre for Nuclear Non-Proliferation and Disarmament, *Policy Brief*, no. 9, <http://www.>

princeton.edu/sgs/facultystaff/zia-mian/Hoodbhoy-Mian-Changing-Nuclear-Thinking.pdf.

16. Clinton, Bill(1 December 1999), "A National Security for a New Century," National Security Strategy Archive, <http://nssarchive.us/national-security-strategy-2000-2/>.

17. Huntington, Samuel P.(March/April 1999), "The Lonely Superpower," *Foreign Affairs*, vol.78, no. 2.

18. Jervis, Robert(July/August 2001), "Weapons Without Purpose? Nuclear Strategy in the Post-Cold War Era," *Review of The Price of Dominance: The New Weapons of Mass Destruction and Their Challenge to American Leadership*, by Jan Lodal, *Foreign Affairs* 80, no. 4.

19. Linzer, Dafna(27 March 2005), "Past Arguments Don't Square with Current Iran Policy," *Washington Post*.

20. Litwak, Robert(18 July 2014, 29), "Iran's Nuclear Chess: Calculating America's Moves," Wilson Center report, <https://www.Wilsoncente.org/publication/irans-nuclear-chess- alculating-americas-moves>.

21. Maloy, Simon(20 July 2015), "Scott Walker's Deranged Hawkishness: He's Ready to Bomb Iran During His Inauguration Speech," Salon.

22. Mann, Thomas E. and Norman J. Ornstein(Spring 2013), "Finding the Common Good in an Era of Dysfunctional Governance," *Daedalus*, 142, no. 2.

23. Milhollin, Gary(8 March 1992), "Building Saddam Hussein's Bomb," *New York Times Magazine*.

24. Mousavian, Seyed Hossein and Shahir Shahidsaless(2014), *Iran and the United States: An Insider's View on the Failed Past and the Road to Peace*, New York: Bloomsbury, 214-19.

25. Ross, Dennis(29 July 2015), "How to Make Iran Keep Its Word," *Politico*.

26. Savage, Charlie(30 January 2008), "Bush Asserts Authority to Bypass Defense Act," *Boston Globe*.

27. Sciolino, Elaine(19 May 1995), "Iran's Nuclear Goals Lie in Half-Built Plant," *New York Times*.

28. Sengupta, Somini(20 July 2015), "U. N. Moves to Lift Iran Sanctions After Nuclear Deal, Setting Up a Clash in Congress," *New York Times*.

29. SIPRI Military Expenditure Database(10 July 2015), http://www.sipri.org/research/armaments/milex/milex_database; Trita Parsi and Tyler Cullis, "The Myth of the Iranian Military Giant," *Foreign Policy*.

30. Stockman, Farah(13 March 2007) "Iran's Nuclear Vision Initially Glimpsed at Institute," *Boston Globe*.

31. Weiss, Philip(29 July 2015), "Cruz Says Iran Could Set Off Electro Magnetic Pulse over East Coast, Killing 10s of Millions," *Mondoweiss*.

32. Zarif, Javad(31 July 2015), "Iran Has Signed a Historic Nuclear Deal—Now It's Israel's Turn," op-ed, *Guardian* (London).

33. Wieseltier, Leon(27 July 2015), "The Iran Deal and the Rut of History," *Atlantic*.